



## وضعیت اطلاعی سازه‌های جمله با ترتیب نشاندار

نازنین طباطبایی<sup>۱</sup>

### چکیده

ساختار اطلاعی در تمام لایه‌هایی از نظام دستوری که معنا وجود دارد انعکاس می‌یابد. جملاتی که ترتیب سازه‌ای غالب در زبان فارسی ندارند و نشاندار محسوب می‌شوند از این دسته هستند. ترتیب بی‌نشان سازه‌ها از لحاظ وضعیت اطلاعی کهنه-نو است. اما در ساختارهایی با ترتیب سازه‌ای نشاندار وضعیت اطلاعی نیز می‌تواند نشاندار باشد. به بیان دیگر تقطیع جمله به مبتدا-خبر ممکن است با تقطیع اطلاعی نو - کهنه منطبق باشد. اما همیشه این‌طور نیست. نگارنده سعی دارد تا با اتکاء به داده‌های زبان فارسی که از متون نوشتاری ادبی، علمی، داستانی و روزنامه‌ای گردآوری شده است، نشان دهد که به‌کارگیری یک صورت خاص چه وضعیت اطلاعی را باز می‌نماید.

**کلیدواژه‌ها:** ساخت اطلاع، اطلاع نو، اطلاع کهنه، پیش‌سازندسازی، پس‌سازندسازی، جمله نشاندار.

### مقدمه

با بررسی یک جمله یا بند به دانشی پی می‌بریم که موجب می‌شود گوینده یک صورت زبانی را انتخاب کند و به کار گیرد. از مهم‌ترین عوامل مؤثر در انتخاب یک صورت می‌توان به وضعیت اطلاعی اشاره کرد. ساختار اطلاعی در تمام لایه‌هایی از نظام دستوری که معنا وجود دارد انعکاس می‌یابد. حوزه ساخت اطلاع به تحلیل و مقایسه جملاتی می‌پردازد که از لحاظ معنا مثل هم هستند ولی از جهت صوری و یا کاربردشناختی متفاوت‌اند. ساختار اطلاعی کمک می‌کند تا پاسخی برای یک پرسش اساسی در زبان‌شناسی یافت شود. اینکه چرا دستور گزینه‌های بسیاری برای بیان یک گزاره در اختیار ما قرار می‌دهد. زبان‌شناسان قرن بیستم برای این منظور تعابیر مختلفی را بکار برده‌اند. این تعابیر عبارت‌اند از نمای نقشی جمله<sup>۱</sup> (مکتب پراگ)، ساختار اطلاعی (هلیدی، ۱۹۶۷)، بسته‌بندی اطلاعی (جیف، ۱۹۷۶). وجه مشترک تمام این اسامی و تحقیقاتی که تحت این عناوین صورت می‌گیرد این است که برخی خصوصیات صوری جملات را بدون بررسی بافت زبانی و فرا زبانی که جملات در آنها قرار گرفته‌اند، نمی‌توان دریافت. با توجه به این امر شاهد همبستگی بین ترتیب سازه‌ها و نوع ساخت از یک سو و وضعیت اطلاعی سازه و کارکردهای نقشی گزاره از طرفی دیگر خواهیم بود. با توجه به مطالب عنوان شده لمبرکت (۱۹۹۶: ۵) ساختار اطلاعی را به صورت زیر توضیح می‌دهد:

ساختار اطلاعی: «آن بخشی از دستور جمله است که گزاره‌ها به‌عنوان نموده‌های ذهنی با ساختارهای دستوری - واژی به گونه‌ای ترکیب می‌شوند که با وضعیت ذهنی تعامل‌کنندگان که این ساختارها را به‌عنوان واحدهای اطلاعی در یک بافت گفتمانی خاص تعبیر و از آنها استفاده می‌کنند مطابقت داشته باشد.»

گوینده با بیان اطلاعات بر نمود ذهنی شنونده تأثیر می‌گذارد. نمود ذهنی شنونده همان دانش او از جهان است. هنگامی که گوینده قصد ایجاد تغییر در این دانش شنونده را دارد دو نوع اطلاعات کهنه یا نو مطرح می‌شود. اطلاعات کهنه آن اطلاعی است که گوینده به صورت قابل بازیابی عنوان می‌کند. قابل بازیابی بودن ممکن است به این علت باشد که قبلاً در بافت آورده شده است، چه در گفتمان باشد و چه در موقعیت. یا اینکه اصلاً در بافت نباشد و اما گوینده آن را به صورت کهنه بیان کند یعنی فرض می‌کند که شنونده آن را می‌داند. اطلاع نو غیرقابل‌بازیابی و غیرمنتظره است. گوینده از شنونده می‌خواهد که به آن اطلاع توجه کند چون اطلاع نو است و تغییر دانش و تصور شنونده را موجب می‌شود. (هلیدی و متیسن: ۲۰۱۴). لمبرکت (۱۹۹۶: ۴۵-۴۴) اطلاعات را عاری از صدق و کذب می‌داند. شنونده یا اطلاعات را می‌داند یا نمی‌داند، تصور ذهنی دارد یا ندارد، دارای آن دانش هست و یا نیست. بنابراین صادق و کاذب دانستن اطلاعات امری نامربوط و غیر صحیح است. اطلاع نو و کهنه وابسته به یکدیگرند به این معنی که هیچ اطلاع نو بدون اطلاع کهنه از پیش به وجود آمده وجود ندارد. اطلاع کهنه و نو وابسته به گزاره هستند. اطلاع کهنه دانشی است که با جمله‌ای که گوینده تصور می‌کند در زمان بیان پاره گفتار در ذهن شنونده وجود دارد برانگیخته می‌شود. در

حالی که اطلاعات نو آن اطلاعی است که با بیان پاره گفتار به آن دانش افزوده می‌شود. برای بیان اطلاع نو همیشه آن را با یک اطلاع کهنه پیوند می‌زنیم.

همچنین هلیدی (۲۰۰۴) در رویکرد دستور نقش‌گرای نظام‌مند<sup>۱</sup> ساخت اطلاع را دو بخشی می‌داند. یا چیزی اطلاع نو است و یا کهنه. در رویکردهای دیگر اطلاع برانگیخته<sup>۲</sup>، قابل استنباط<sup>۳</sup>، قابل دسترسی<sup>۴</sup> حد وسط اطلاع نو و کهنه قرار دارند. اما برای هلیدی برانگیخته همان کهنه است. هر واحد اطلاعی در شرایط آرمانی از یک جزء کهنه به همراه جزء نو تشکیل شده است. اما گفتمان از جایی آغاز می‌شود. بنابراین واحدهای آغازین گفتمان تنها جزء نو دارند. به علاوه کهنه بودن یعنی اشاره به چیزی که از قبل در بافت زبانی و یا غیرزبانی حاضر بوده است. یکی از راههای اشاره، حذف است. به این دلیل می‌توان واحد اطلاعی را یک جزء اجباری نو به علاوه جزء اختیاری کهنه دانست (همان: ۹۰). اطلاع نو همراه با برجستگی است و در صورت بی‌نشان بعد از اطلاع کهنه قرار می‌گیرد. اما بررسی داده‌ها نشان می‌دهد که ترتیب سازه‌ها همیشه به صورت بی‌نشان و متعارف نیست و جابجایی سازه‌ها و وضعیت اطلاعی آنها می‌تواند بر یکدیگر تأثیرگذار باشد. از این رو مقاله حاضر وضعیت اطلاعی سازه‌های پیشابند شده و پسابند شده را بررسی می‌کند تا نشان دهد که این وضعیت چه تأثیری در ترتیب سازه‌ها دارد.

### پیشینه

مجیدی (۱۳۹۰) کوشیده است تا ارتباط بین ساخت اطلاع از یک سو و واج‌شناسی، معنی‌شناسی، ساختواژه و نحو از سوی دیگر را بررسی کند. تحلیل داده‌ها در چارچوب دستور نقش‌گرای نظام‌مند بر اساس وضعیت اطلاعی آغازگر و پایان‌بخش می‌تواند چهار حالت داشته باشد. این حالت‌ها در جدول (۱) نشان داده شده است.

جدول ۱: وضعیت اطلاعی آغازگر و پایان بخش

پایان بخش	آغازگر
نو	کهنه
نو	نو
کهنه	نو
کهنه	کهنه

درجه نشانداری این ساخت‌ها بر اساس بسامد وقوع تعیین می‌شود. به این صورت که آغازگر کهنه- پایان بخش نو بی‌نشان‌ترین و آغازگر کهنه- پایان بخش کهنه نشاندارترین صورت هستند. در این بین آغازگر نو- پایان بخش کهنه و آغازگر نو- پایان بخش نو به ترتیب نشان‌دارتر از دو ترتیب دیگر هستند. بر اساس

1. Systemic Functional Grammar
2. evoked
3. inferable
4. accessible

بررسی‌های انجام شده در پژوهش مجیدی، تمایل غالب برای آغازگرها اطلاعات کهنه است. در بررسی آرایش سازه‌ای در ساخت اطلاعی کهنه- نو ترتیب غالب به ترتیب (فاعل - فعل)، (فاعل - مفعول - فعل)، (مفعول - فعل)، (فاعل - فعل - مفعول)، (فاعل - فعل - مفعول - فعل) است. در ساخت اطلاعی نو - کهنه بسامد وقوع آرایش سازه‌ای به ترتیب (فاعل - فعل)، (فاعل - مفعول - فعل)، (فاعل - مفعول - فعل) است. بیشترین ترتیب سازه‌ای در آغازگر/ پایان بخش حاوی اطلاع نو/نو به ترتیب عبارتند از (فاعل - فعل) (فاعل - مفعول - فعل)، (مفعول - فعل)، (مفعول - فاعل - فعل)، (فاعل - فعل - مفعول). این مورد در ساخت اطلاع کهنه/ کهنه دربر گیرنده آرایش سازه‌ای (فاعل - فعل) و (فاعل - مفعول - فعل) است.

راسخ مهند و قیاسوند (۱۳۹۳) بر اساس رویکرد نقش‌گرایی تأثیر عوامل نقشی مانند وزن دستوری، معرفگی، جاننداری و ساخت اطلاعی بر فرایند قلب نحوی در ۱۹۰۰ جمله گفتاری زبان فارسی را بررسی کرده‌اند. در ابتدا در بررسی مقوله وزن آنها به این پرسش پاسخ می‌دهند که «آیا در فارسی سازه‌های انتهای جمله از سایر سازه‌ها سنگین‌تر هستند؟» بررسی‌های آنها نشان داد که در تمامی جملات وزن سازه در جایگاه نهایی از دیگر جایگاه‌ها بیشتر است. از این رو می‌توان ادعا کرد که در زبان فارسی اصل سنگینی در انتها در چینش سازه‌ها مؤثر است. به علاوه جملات مقلوب نشان می‌دهند که جایگاه نهایی در تمامی جملات غیر مقلوب سنگین‌تر از دیگر جایگاه‌ها است (۱۳۹۳: ۱۷۷-۱۷۳). دومین عاملی که در آن مقاله بررسی شد مقوله معرفگی بود که نشان داد سازه‌های معرفه بیشتر مقلوب می‌شوند. زیرا درصد معرفگی سازه‌های مقلوب از درصد نکره بودن آنها با اختلاف قابل توجهی بیشتر بود (همان: ۱۹۰). اما متغیر جاننداری با قلب نحوی رابطه منظمی ندارد. در بررسی میزان تأثیر عامل ساخت اطلاعی، داده‌ها نشان دادند که هر چه سازه‌ای از لحاظ اطلاعی نوتر باشند احتمال مقلوب شدن آنها بیشتر است (همان: ۱۹۳).

فرامر (۱۹۸۱) در رساله دکتری خود به مطالعه‌ای آماری درباره سازه‌های پس از فعل در زبان فارسی محاوره‌ای معاصر پرداخته است. در اینجا به علت عدم دسترسی به این رساله مطالب را از آنچه دبیر مقدم (۱۳۹۲) در کتاب رده شناسی زبان‌های ایرانی از این رساله برگزیده است نقل می‌نمایم (دبیرمقدم، ۱۳۹۲: ۱۱۷-۱۱۰). فرامر (دبیرمقدم: ۱۱۳ به نقل از فرامر: ۱۴۳) به پس‌بندسازی مفعول صریح و غیرصریح اشاره کرده است. مفعول‌های صریح ممکن است با پس‌اضافه - را- و یا بدون آن باشند. بر اساس داده‌های او مفعول‌های صریح با پس‌اضافه - را- بیشتر از مفعول‌های صریح بدون پس‌اضافه را پس‌بند می‌شوند. علت این عدم تقارن را می‌توان در وضعیت اطلاعی سازه‌ها یافت. جایگاه پس‌بند جایگاه اطلاع کهنه است. همچنین مفعول‌هایی که با پس‌اضافه - را - همراه می‌شوند معرفه هستند، یعنی اطلاع کهنه محسوب می‌شوند. بنابراین این مفعول‌ها تمایل بیشتری به پس‌بند شدن دارند. مثال‌های زیر به ترتیب نشان دهنده پس‌بندسازی مفعول صریح با پس‌اضافه و بدون آن است.

(۱) بردار همشو.

(۲) ولی خوب حرف می‌زنه انگلیسی.

اما فرامر تنها سه نمونه از مفعول‌های غیر صریح پسایند شده را در پیکره مورد بررسی خود یافته است که در زیر آورده شده‌اند (دبیر مقدم: ۱۱۵-۱۱۴):

(۳) کارت چاپ کنیم، بدیم به بچه‌ها.

(۴) حق دیگرگون گرفتیم دادم به اینا.

(۵) چایم خودم دم می‌کنم می‌ریزم میدم دست.

ترتیب‌های سازه‌ای مختلف نشان دهنده وضعیت و یا نقش مرجع سازه‌هایی که درون بند هستند نیز هست. مثلاً قرار دادن یک گروه اسمی خاص قبل از محمول در زبان‌های فعل آغازین فقط وقفه در متن را نشان نمی‌دهد، بلکه اطلاعاتی درباره نقش مرجع آن گروه اسمی در ادامه متن می‌دهد. به‌عنوان مثال، اگر از اسمی اخیراً نامی برده نشده باشد و یا در متن باقی نمانده باشد، در جایگاه مبتدا نمی‌تواند قرار بگیرد. برعکس آن، برخی جایگاه‌ها نشان می‌دهد که مرجع می‌تواند مبتدا قرار گیرد. مثلاً انگلیسی زبان‌ها مرجعی را که در کانون توجه است فاعل بند قرار می‌دهند. در زبان‌های فعل آغازین گروه‌های اسمی آغازگر تا حد امکان به فعل نزدیک و بعد از آن قرار می‌گیرند (داونینگ ۱۹۹۵: ۱۱).

داونینگ (۱۹۹۵) ساختارهای ارائه‌ای<sup>۱</sup> را ساختاری می‌داند که گروه‌های اسمی را که مرجع‌هایی دارند که در ادامه متن برجسته هستند در آخر جمله قرار می‌دهد. زبان‌های بسیاری ساخت ارائه‌ای دارند و جالب توجه است که با وجود تفاوت ترتیب سازه‌ای در زبان‌ها همه این ساخت‌ها گروه اسمی را در جایگاه‌های مشابهی قرار می‌دهند. این مورد یادآور یکی از عوامل ترتیب‌های سازه‌ای است که ریشه در محدودیت‌های شناختی انسان دارد. در متون واقعی به ندرت با جملاتی روبرو می‌شویم که فقط اطلاع نو داشته باشند. «چون تحلیل‌گر زبان بشر قادر به دریافت حجم زیاد اطلاع نو در آن واحد نیست، از این رو، غالباً جملات ترکیبی از اطلاع نو و کهنه هستند (همان: ۱۳)». تحلیل‌گر زبان می‌تواند اطلاعات نو و کهنه و همچنین اطلاع نویی که اساسی و حائز اهمیت است و آنکه اهمیت چندانی ندارد را از یکدیگر تمیز دهد. چنین تفاوت‌هایی است که در ترتیب‌های سازه‌ای نشان داده می‌شود. مکتب پراگ اصل پویایی ارتباطی<sup>۲</sup> را مطرح کرد. پویایی ارتباطی میزانی است که یک سازه در جمله به پیشبرد ارتباط کمک می‌کند. در این چارچوب سازه‌هایی که کمترین پویایی ارتباطی را دارند آغازگر و آنها که بالاترین پویایی ارتباطی را دارند پایان بخش نام دارند. بنابراین میزان پویایی ارتباطی بر ترتیب سازه‌ها تأثیر دارد. تعداد بسیار کم زبان‌هایی که مفعول را قبل از فاعل قرار می‌دهند ریشه در همین اصل دارد. آغازگرها قبل از پایان بخش‌ها واقع می‌شوند و فاعل‌ها آغازگر قرار می‌گیرند. اما زبان‌هایی نیز وجود دارند که اطلاعات نو و پایان بخش را در ابتدای بند قرار می‌دهند (همان: ۱۴). داونینگ دلایل شناختی متفاوتی را برای این الگوها عنوان می‌کند. مثلاً در الگوی آغازگر-پایان بخش اگر در واقع درک ما از متن وابسته به افزایش جزئیات آن متن باشد، راهکار مؤثر این است که آغازگر در ابتدا قرار گیرد تا به‌عنوان پیوندی باشد که اطلاعات پایان بخش به آن متصل می‌شود.

1. presentative

2. communicative dynamism

بیرنر و ماهوتیان (۱۹۹۶) در مقاله خود اشاره می‌کنند که محدودیت‌های گفتمانی نقشی در وارونگی در زبان فارسی منطبق با محدودیت‌های وارونگی در زبان انگلیسی است، با این تفاوت که ترتیب سازه‌های زبان فارسی و انگلیسی متفاوت است (همان: ۱۲۷). بررسی‌های آنها نشان می‌دهد که سازه پیشایند شده در وارونگی نباید نسبت به سازه پسایند شده از «آشنایی گفتمانی» کمتری برخوردار باشد. در حقیقت در بیش از سه چهارم داده‌ها سازه پیشایند شده نشان دهنده اطلاعات گفتمان کهنه و سازه پسایند شده نشان دهنده اطلاعات گفتمان نو هستند. علاوه بر این، در بافت‌هایی که سازه‌های پیشایند و پسایند شده هر دو حاوی اطلاعاتی هستند که در گفتمان قبلی برانگیخته شده است، سازه‌ای که اخیراً برانگیخته شده پیشایند می‌شود.

6) Each of the characters is the centerpiece of a book, doll and clothing collection. The story of each character is told in a series of six slim books, each \$12.95 hardcover and \$5.95 in bookstores and libraries across the country. More than 1 million copies have been sold, and in late 1989 a series of activity kits was introduced for retail sale. Complementing the relatively affordable books are the dolls, one for each fictional heroine and each with a comparably pricey historically accurate wardrobe and accessories.

در این مثال «the doll» برانگیخته شده است، اما نسبت به «books» کمتر آشنا است و اخیراً برانگیخته شده است. در نتیجه داده‌ها نشان می‌دهند که اطلاعات سازه پیشایند شده باید حداقل به اندازه اطلاعات سازه پسایند شده آشنا باشد.

در زبان فارسی که ترتیب بی‌نشان SXV دارد ترتیب نشان دار XSV هم وجود دارد. این ترتیب‌ها در مثال‌های زیر نشان داده شده‌اند:

۷) الف- درخت چنار کهنی [در] یک طرف میدان بود.

ب- [در] یک طرف میدان درخت چنار کهنی بود.

بیرنر و ماهوتیان ترتیب سازه‌ای (ب) را در فارسی وارونگی دانسته‌اند. این ترتیب در ظاهر شبیه مبتداسازی در انگلیسی است. پس از بررسی‌ها بیرنر و ماهوتیان اشاره می‌کنند که سازه پیشایند شده حاوی اطلاعاتی است که حداقل به اندازه اطلاعات گروه اسمی فاعلی گفتمان آشنا است (همان: ۱۳۱). بررسی داده‌ها نشان داده است که گروه حرف اضافه‌ی پیشایندی ممکن است گفتمان کهنه باشد و گروه اسمی فاعل، گفتمان نو و یا هر دو گفتمان نو یا گفتمان کهنه باشند. اما هیچ نمونه‌ای که گروه حرف اضافه‌ی پیشایند اطلاعات گفتمان نو داشته باشد و گروه اسمی پسایند اطلاعات گفتمان کهنه یافت نشد. در نتیجه همان محدودیتی که در وارونگی انگلیسی وجود دارد در مورد فارسی نیز صادق است. بیرنر و ماهوتیان نشان می‌دهند که هر چند ترتیب خطی در مبتداسازی انگلیسی و وارونگی فارسی همسان است اما محدودیت‌های نقشی در این دو نوع ساخت متفاوت است. در مبتداسازی انگلیسی سازه مبتدا شده حتماً با گفتمان پیشین در ارتباط است و حاوی اطلاع کهنه است. اما این محدودیت در جملاتی که ترتیب XSV در فارسی دارند وجود ندارد. این مطلب شاهده‌ی بر این است که ترتیب خطی XSV در فارسی و مبتداسازی انگلیسی نشان دهنده دو ساخت متفاوت هستند یا اینکه XSV در فارسی و وارونگی در انگلیسی یک ساخت را نشان می‌دهند. پرینس (۱۹۹۴) هم

اشاره می‌کند که یک ساخت می‌تواند نقش‌های متفاوتی در زبان‌ها داشته باشد و یا یک نقش می‌تواند در ساخت‌های مختلف در زبان‌ها نمود پیدا کند.

مینگ و چن (۲۰۱۰) عوامل مؤثر بر ترتیب ساخت سازه‌ای را بر شمرده‌اند. این عوامل عبارتند از نقش دستوری عبارت اسمی موصولی شده در بند موصولی و وضعیت اطلاعی هسته گروه اسمی، که در اینجا فقط به ذکر مورد دوم بسنده می‌کنیم. آنها به دو نوع اطلاعات کهنه و نو قائل هستند. بنابراین، هسته‌های گروه اسمی که باعث برانگیختن هستارهایی<sup>۱</sup> می‌شوند که حامل اطلاعات کهنه و یا قابل برداشت هستند را کهنه و سایر هسته‌های گروه‌های اسمی را نو می‌نامند. پس از بررسی نمونه‌های مختلف این نتیجه حاصل شد که وضعیت اطلاعی هسته گروه اسمی در بسامد وقوع آنها در دو نوع بند موصولی در زبان چینی بی‌تأثیر است. بنابراین وضعیت اطلاعی هسته گروه اسمی عامل مؤثری در تعیین علت انتخاب یکی از این دو صورت نیست. هرینگ (۲۰۱۲) معتقد است که تغییر در ترتیب سازه‌ها تحت تأثیر کاربرد شناسی است و ارتباطی بین مبتدا یا آغازگر و جایگاه آغازین جمله و همچنین بین کانون یک سازه در خبر یا پایان بخش و پس‌اندازی وجود دارد. اما سؤالی که او مطرح می‌کند این است که آیا بین ترتیب سازه‌ای و وضعیت کاربرد شناختی سازه‌ها رابطه‌ای نظام مند وجود دارد؟ (همان: ۱۶۳) وی برای دستیابی به پاسخ به ذکر چهار اصل که ممکن است ترتیب مبتدا و کانون را تحت تأثیر قرار دهد می‌پردازد. این اصول عبارتند از: ۱) اصل کهنه قبل از نو ۲) اصل اطلاع نو، اول ۳) تصویرگونگی<sup>۲</sup> گفتمانی و ۴) ترتیب سازه‌ها. هرینگ در ادامه دو نوع مبتدا و دو نوع کانون را معرفی می‌کند. مبتدای پیوسته<sup>۳</sup> و غیر پیوسته<sup>۴</sup> و کانون تقابلی<sup>۵</sup> و ارائه‌ای<sup>۶</sup> (همان: ۱۶۴). مبتدای پیوسته از گفتمان قبلی ادامه دارد و غالباً به صورت ضمیر بیان می‌شود، یا در برخی زبان‌ها به‌طور کلی حذف می‌شود. اما مبتدای غیرپیوسته در اکثر مواقع با گروه اسمی نشان داده می‌شود و یا همراه با عبارات مبتدایی مانند «با توجه به X...» و یا «X، از طرفی دیگر» آورده می‌شود. در توضیح کانون‌ها، هرینگ اذعان می‌کند که کانون تقابلی سازه‌ای درون خبر است که با سازه‌ای در بند قبلی در تضاد است. اما کانون ارائه‌ای مرجعی جدید را به گفتمان معرفی می‌کند (همان). وی در ادامه وضعیت اطلاعی هر کدام از انواع مبتدا و کانون را در جدولی ارائه می‌دهد:

- 
1. entities
  2. iconicity
  3. continuous topic
  4. shifted
  5. contrastive
  6. presentational

## جدول ۲: وضعیت اطلاعی انواع مبتدا و کانون

نقش کاربردشناختی	وضعیت اطلاعی
مبتدای پیوسته	کهنه
مبتدای متغیر	نو (یا مجدد فعال شده)
کانون تقابلی	کهنه (یا تلویحاً کهنه)
کانون ارائه‌ای	نو

هرینگ معتقد است که بر اساس چهار اصلی که بیان شد می‌توان جایگاه مبتدا و کانون را پیش‌بینی کرد. به این معنی که در ابتدا و یا انتهای جمله می‌آیند و اینکه در وضعیت نشاندار پیشایند و یا پسایند می‌شوند. این پیش‌بینی در جدول (۳) نشان داده شده است (همان: ۱۶۵).

## جدول ۳: جایگاه انواع مبتدا و کانون بر اساس چهار اصل

اصل ۴ SV/ VS	اصل ۳	اصل ۲	اصل ۱	
پسایند /پیشایند	پیشایند	پسایند	پیشایند	مبتدای پیوسته
پسایند /پیشایند	پیشایند	پیشایند	پسایند	مبتدای متغیر
پیشایند /پسایند	پیشایند	پیشایند	پیشایند	کانون تقابلی
پیشایند /پسایند	پسایند	پسایند	پسایند	کانون ارائه‌ای

هرینگ با در نظر گرفتن ردیف‌های افقی جدول این‌طور توضیح می‌دهد که زبان‌ها کانون تقابلی را پیشایند و کانون ارائه‌ای را پسایند می‌کنند. اما با توجه به جایگاه دو نوع مبتدا تمایزهایی وجود دارد.

## تحلیل داده‌ها

به منظور یافتن وضعیت اطلاعی سازه‌های با ترتیب نشاندار در زبان فارسی، متون نوشتاری متعددی مورد بررسی قرار گرفتند. پیکره مورد تحقیق شامل موارد زیر می‌باشد: کتاب‌های «پنج داستان»، «خسی در میقات» و «زن زیادی» از جلال آل احمد، مجلات علمی «زبان و زبان شناسی» شماره‌های ۱۳ و ۱۴، مجله فرهنگی و هنری بخارا شماره نهم، روزنامه ایران تاریخ ۹۳/۲/۲۰ و ۹۳/۴/۷. از این پیکره تعداد پانصد و بیست هزار واژه مورد بررسی قرار گرفت که تعداد هفت هزار و هشتاد و پنج واژه از آنها در جایگاه غیرمتعارف هستند و تحلیل براساس آنها صورت گرفت. به‌علاوه برای بررسی ترتیب نشاندار سازه‌ها آنچه را رابرتز (دبیرمقدم، ۱۳۹۰: ۲۴۳) ترتیب بی‌نشان سازه‌ها می‌داند ملاک قرار دادیم. این ترتیب در زیر آورده شده است: فاعل - [افزوده] زمانی - مفعول صریح - مبدأ - [افزوده] مکانی - بهره ور / مقصد - [افزوده] وسیله‌ای -

فعل



با تکیه بر آنچه در بخش پیشینه آمد ترتیب بی‌نشان سازه‌ها از لحاظ وضعیت اطلاعی کهنه - نو است. بنابراین غالباً اطلاعات نو هنگامی که وارد گفتمان می‌شوند در کانون قرار می‌گیرند و در جملات بعدی چون دیگر نو نیستند و در ذهن شنونده فعال هستند مبتدا واقع می‌شوند. جملات زیر نشان دهنده جملاتی است که به صورت بی‌نشان دارای ترتیب اطلاعی کهنه - نو هستند. به این علت که بافت گفتمانی در تعیین وضعیت اطلاعی سازه‌ها تعیین کننده است، این مثال‌ها در بافت آورده شده است.

۸) تا اصغر ریزه یک روز که آمد مدرسه یک دسته کلید هم داشت.

ازش پرسیدم: - ناقل از کجا آوردیش؟

گفت: - زکی! خیال می‌کنی کش رفته‌م؟

گفتم: - پس چی؟

گفت: از داداشم قرض گرفته‌م، بهش پس می‌دیم.

سه روز طول کشید تا عاقبت با یکی از آن کلیدها قفل پای در پلکان مسجد را باز کردیم (آل احمد، ۱۳۵۶: ۱۸).

همان‌طور که در این بافت مشخص است کلید در ذهن شنونده فعال است بنابراین در جمله آخر این گروه حرف اضافه کهنه است. در مثال (۸) گروه حرف اضافه پیشایند شده است زیرا از جایگاه بی‌نشان خود که قبل از فعل است به جایگاه پیش از مفعول آورده شده است. حال به مثال دیگری توجه کنید:

۹) کمپف مایر در پایان یادداشت یادآور می‌شود که چاپ جدیدی از این نسخه سنگی با تعلیقات و حواشی بسیار به درد اهل فن خواهد خورد و امید است صاحب همتی این کار را متحمل شود. این نسخه کمیاب را دوست فقیدم صادق عدنان ارزی دانشمند ترک که شوق مخصوص به دست آوردن این گونه کتب داشت در سفر ۱۳۵۳ خود به تهران برای من به ارمغان آورد. این نسخه را مونس‌تر به دانشمندی ظاهراً به نام Woehmzich اهدا کرده بود (بخارا، ۱۳۹۱، ۹۰-۸۹: ۵۸۴).

«این نسخه» در مثال (۹) کهنه، یا فعال و یا در دسترس است زیرا همان‌طور که در متن نشان داده شده است در بافت گفتمانی آورده شده است. بنابراین در ذهن شنونده فعال است. این اطلاعات کهنه در سازه مفعولی پیشایند شده قرار دارد. با توجه به مثال‌های (۸) و (۹) و بررسی سایر داده‌ها شاید در ابتدا این‌طور به نظر برسد که سازه‌هایی پیشایند می‌شوند که حاوی اطلاع کهنه هستند. این اتفاق به این دلیل ممکن است رخ دهد که چون اطلاعات کهنه فصل مشترک دانش گوینده و شنونده هستند از جایگاه خود پیشایند می‌شوند تا درک برای شنونده راحت‌تر صورت گیرد. از طرفی نیز اطلاعات کهنه به جایگاه آغازین منتقل می‌شوند تا اطلاع نو در جایگاه بی‌نشان کانونی که جایگاه پیشا فعلی است قرار گیرد. اما با بررسی بیشتر به جملاتی برخوردیم که اطلاع نو در آنها از جایگاه خود پیشایند شده است. نمونه‌های زیر این مطلب را نشان می‌دهند.

۱۰) پنجشنبه و جمعه، جمعیت نمایشگاه کتاب به حدی برآورد نشدنی رسید (روزنامه ایران، ۹۳/۲/۲۰:

۲۴).

این جمله در ابتدای یک گزارش آمده است. پس چون گفتمانی قبل از آن وجود ندارد، اولین سازه یعنی «پنجشنبه و جمعه» نو تلقی می‌شود زیرا در ذهن شنونده وجود ندارد و از آن اطلاعی ندارد. جمله (۱۱) نمونه دیگری از وجود اطلاع نو در ابتدای جمله است:

(۱۱) سید به اعتبار عمامه‌اش نمی‌خواست جلوی جماعتی که شکیات و سهویات ازش می‌پرسیدند جا بزند و بنماید که سوادش کمتر است. ولی بود. و محدث متوجه این قضیه نبود. به هر صورت چیزی نمانده بود به کتک کاری. محدث را تازه دارم می‌شناسم. همان طلبه مباحثه کننده بیست و پنج سال پیش. روزنامه‌های عربی محل امروز پر بود از پز و افاده به خاطر اینکه پرده حرم را امسال خودشان ساخته‌اند و از مصری‌ها نپذیرفته‌اند (آل احمد، ۱۳۳۶ الف: ۹۹).

در مثال بالا سازه «پرده حرم را» حاوی اطلاع نو است و نشانی از آن در گفتمان پیشین وجود ندارد. اما این سازه از جایگاه خود پیشایند شده و در جایگاهی قرار دارد که در وضعیت بی‌نشان اطلاع کهنه قرار می‌گیرد. با توجه به نمونه‌های بالا نمی‌توان ادعا کرد که سازه‌هایی پیشایند می‌شوند که حاوی اطلاع کهنه هستند. این مطلب را دبیرمقدم (۱۳۸۸) در مجموعه مقالات خود عنوان کرده است. پیش از او سیمین کریمی (۱۹۸۹) وضعیت اطلاعی مبتداها را در بررسی «را» عنوان می‌کند. به اعتقاد کریمی اسمی که با «را» همراه است نمی‌تواند مبتدا باشد چون حاوی اطلاع نو و نشان دهنده مفهوم تقابل است. به عبارات دیگر «را» می‌تواند با مبتدا ظاهر شود و اطلاع کهنه باشد و یا با سازه حاوی اطلاع نو بیاید و با مبتدای تقابلی پدیدار شود. اما دبیرمقدم معتقد است که اسمی که «را» می‌پذیرد جزئی از مبتداست و زمینه را آماده می‌سازد تا ادامه جمله که خبر است عنوان شود (دبیر مقدم، ۱۳۸۸: ۱۲۱). وی تصریح نموده که این مبتدا ممکن است اطلاع نو یا کهنه باشد. به بیانی دیگر مبتدا لزوماً دربرگیرنده اطلاع کهنه نیست. نکته قابل توجه که دبیرمقدم به آن اشاره کرده است این است که تقطیع مبتدا و خبر از دید گوینده صورت می‌گیرد. اما تقطیع اطلاعی جمله به اطلاع نو و کهنه از دید شنونده صورت می‌گیرد. به عبارت دیگر گوینده تصمیم می‌گیرد که چه عنصری را به عنوان زمینه ساز خبر قرار دارد. اما شنونده است که عنصری را برای اولین بار می‌شنود و نو تلقی می‌کند و یا عنصری براساس بافت گفتمان برای او قابل بازیابی، فعال و کهنه است. تقطیع جمله به مبتدا-خبر ممکن است با تقطیع اطلاعی نو-کهنه منطبق باشد اما همیشه این‌طور نیست. این عدم تطابق نکته‌ای است که کریمی به آن توجهی نکرده است.

با توجه به آنچه به نقل از دبیرمقدم عنوان شد در جملاتی که سازه پیشایند شده حاوی اطلاع نو است دو نوع تقطیع جمله به مبتدا-خبر و اطلاع کهنه - نو بر یکدیگر منطبق نیستند. این مطلب در جملات زیر نشان داده شده است.

(۱۲) به هر صورت اولین بار بود که به دکان ریخته‌گری می‌رفتم. استاد اصغر جواب سلامم را که داد گفت:

- ظرفی چیزی با خودت نیاوردی؟

گفتم نه. این بود که یکی از شاگردها را صدا کرد که رفت از توی پستو یک سطل حلبی نصفه آورد. دسته‌اش سیمی بود (آل احمد، ۱۳۳۶: ۵۵).

۱۳) جهان‌بینی دیونیزوسی نیچه بر دانشی «شاد» و شناختی «تراژیک» استوار است. برخلاف سقراط - افلاطون، او از منظر حیات، هنر و خلاقیت به جهان و پدیده‌ها می‌نگرد و آن وسواس و تعصب برای دستیابی به «حقیقت» را ندارد. نیچه نمی‌کوشد به هر قیمت تمامی «پرده‌ها» را کنار زند تا همه «حقایق» عریان و کشف شوند. زیرا مخالف چنین نگرشی تمامیت‌خواه و خوش‌باورانه است. با کاربرد خرد و علم انسان شناخت و فهم خود را بسیار توسعه داده ولی لازم است فروتنی و متانت خویش را حفظ کند چون هنوز کلید گشودن راز دهر و معمای هستی را ندارد (بخارا، ۱۳۹۲، ۹۰-۸۹: ۸۱).

در مثال‌های (۱۲) و (۱۳) سازه‌هایی که زیرشان خط کشیده شده از جایگاه بی‌نشان خود پیشایند شده و مبتدا واقع شده‌اند. به علاوه چون در بافت قبلی آورده نشده‌اند همگی حاوی اطلاع نو هستند. این مثال‌ها بیانگر این مطلب هستند که تقطیع جمله به مبتدا - خبر با توزیع اطلاع نو - کهنه منطبق نیست. بنابراین پیشایندسازی فارغ از کهنه یا نو بودن است و مبتداها الزاماً کهنه نیستند. هر چند بررسی‌ها نشان می‌دهد که غالباً اطلاع کهنه پیشایند می‌شود. این مطلب در مورد سازه‌های پسایند شده به گونه‌ای دیگر است. به این معنی که سازه‌های پسایند شده نیز حاوی اطلاع کهنه و یا نو هستند. اما تفاوت در این است که اختلاف زیادی بین تعداد سازه‌های حاوی اطلاع کهنه که پسایند شده‌اند و آن دسته که حاوی اطلاع نو هستند وجود ندارد. جملات زیر نمونه‌هایی از پسایندسازی با توجه به توزیع اطلاعی را نشان می‌دهند.

۱۴) البته استدلال به آذین این بود که کسرایی با آدم‌های متعددی محسور بود و دوستانش حد و مرز نداشتن؛ [...] تا اینجا حرف به آذین می‌تونه توجیه داشته باشه [...] آقای عظیمی! کسرایی واقعاً با تمام وجودش از یک مسئله اجتماعی شاد می‌شد یا درد می‌کشید و اونچه ازش برمی‌اومده کرده دیگه. نمی‌دونم چرا این کارو کرده به آذین. درباره کوش آبادی هم همین کارو کرده (بخارا، ۱۳۹۱، ۹۰-۸۹: ۲۹۷).

۱۵) ولی یک روز مادرش آمده بود و از دلاک حمام ما پرسیده بود. آن هم با چه حقه‌ای! خودش را به ناشناسی زده بود و برای شوهرم دل سوزانده بود که زن پیر ترشیده و آبله رو گرفته و خدا لعنت کند این دلاک‌ها را (آل احمد، ۱۳۳۶: ۱۹۶).

در مثال‌های بالا سازه‌های «به آذین» و «دلاک‌ها را» از جایگاه بی‌نشان خود پسایند شده‌اند و همان‌طور که در متن نشان داده شده است در بافت زبانی حضور داشته‌اند. به همین دلیل حاوی اطلاع کهنه هستند. اما مثال‌های زیر برعکس (۱۴) و (۱۵) را نشان می‌دهند:

۱۶) وول می‌خورند در این همه کالاهای جاندار و بی‌جان جدید و کیفور می‌شوند. این شادی کودکانه فقط در لحظه‌های ناب زیستن ممکن می‌گردد. برخلاف امروز که اندیشه جدید لابه‌لای زندگی و اجزا ریز و درشت‌اش دارد اشغال می‌کند ذهن و زبان و وجدان نسل‌های جدید را، دویست سال پیش نمی‌شد به این یگانگی رسید (بخارا، ۱۳۹۱، ۹۰-۸۹: ۶۰۸).

۱۷) بعد دو نفر حمال که تخت روانی خالی به دوش داشتند با مردی دعواشان شد. همان در چهار قدمی کعبه. و چه داد و فریادی! کلمه «مصروع» را از میان همه‌مهمه طواف شنیدم از دهان یکی‌شان. بعد جماعت

طواف کننده دست‌هاشان را کرده بودند توی نعلین‌های بندی‌شان و کف نعلین پشت دستشان بود که طواف می‌کردند (آل احمد، ۱۳۳۶: ۱۴۹).

نمونه‌های (۱۶) و (۱۷) نشان دهنده سازه‌هایی است که حاوی اطلاع نو هستند و از جایگاه بی‌نشان خود پسایند شده‌اند. بنابراین همان‌طور که پیش‌تر نیز گفته شده سازه‌های پسایند شده می‌توانند حاوی هر دو نوع اطلاع نو یا کهنه باشند.

### نتیجه‌گیری

جدول زیر نشان دهنده تعداد کل سازه‌ها و درصد سازه‌های پسایند و پیشایند شده بر اساس وضعیت اطلاعی آنها است. همان‌طور که مشاهده می‌شود تعداد ۲۸۰ سازه پیشایند شده است که ۲۳۵ سازه معادل (۸۳٪) از این تعداد دارای اطلاع کهنه و ۴۵ سازه، معادل (۱۶٪)، حاوی اطلاع نو بودند. به علاوه از میان داده‌های مورد بررسی ۳۳۵ سازه پسایند شده هستند که ۱۵۵ (۴۶٪) آنها حاوی اطلاع کهنه و ۱۸۰ سازه یا به عبارتی (۵۳٪) سازه‌ها دارای اطلاع نو هستند.

جدول ۴: تعداد سازه‌های پیشایندی و پسایندی بر اساس وضعیت اطلاعی

سازه‌های پسایند شده		سازه‌های پیشایند شده		تعداد کل
۳۳۵		۲۸۰		
درصد		درصد		
۴۶	۱۵۵	۸۳	۲۳۵	اطلاع کهنه
۵۳	۱۸۰	۱۶	۴۵	اطلاع نو

این بررسی نشان می‌دهد که هر دو نوع سازه‌های پیشایند شده و پسایند شده می‌توانند در بردارنده اطلاع کهنه و یا نو باشند. هرچند تعداد سازه‌های پیشایندی که اطلاع کهنه دارند بیش از پنج برابر سازه‌هایی است که اطلاع نو دارند و پیشایند شده‌اند. اما در مورد پسایندسازی، اختلاف زیادی بین وضعیت اطلاعی سازه‌هایی که پسایند شده‌اند وجود ندارد.

### منابع گردآوری داده‌ها

آل احمد، جلال (۱۳۳۶ الف) *حسی در میقات*. تهران: انتشارات امیرکبیر.

آل احمد، جلال (۱۳۳۶ ب) *زن زیددی*. تهران: انتشارات امیرکبیر.

آل احمد، جلال (۱۳۵۶) *پنج داستان*. تهران: انتشارات امیرکبیر.

روزنامه ایران، ۹۳/۲/۲۰ و ۹۳/۴/۷

زبان و زبان‌شناسی، سال هفتم - شماره اول، پیاپی سیزدهم، بهار و تابستان ۱۳۹۰، تهران

زبان و زبان‌شناسی، سال هفتم - شماره دوم، پیاپی چهاردهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۰، تهران

مجله فرهنگی و هنری بخارا، سال پانزدهم- شماره نهم (پی در پی ۹۰-۸۹)، مهر- دی ۱۳۹۱، تهران

### منابع

- دبیرمقدم، محمد (۱۳۹۲)، رده‌شناسی زبان‌های ایرانی. چاپ اول، تهران، انتشارات سمت.
- دبیرمقدم، محمد (۱۳۹۰)، «معرفی و نقد کتاب مطالعه‌ای در ساخت گفتمانی زبان فارسی»، دستور، ویژه نامه فرهنگستان، شماره هفتم: ۲۹۳-۲۲۳.
- دبیرمقدم، محمد (۱۳۸۸)، پژوهش‌های زبانشناختی فارسی، (مجموعه مقالات)، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ دوم.
- راسخ مهند، محمد و قیاسوند، مریم (۱۳۹۳)، «بررسی پیکره بنیاد تأثیر عوامل نقشی در قلب نحوی کوتاه فارسی»، دستور، ویژه نامه فرهنگستان، شماره دهم: ۱۹۷-۱۶۳.
- مجیدی، ستاره (۱۳۹۰)، «ساخت اطلاع در زبان فارسی در چارچوب دستور نقش‌گرای نظام مند و دستور نقش و ارجاع»، دستور، ویژه نامه فرهنگستان، شماره هفتم: ۲۰۸-۱۸۳.
- Birner, B., and Sh. Mahootian. (1996), "Functional Constraints on Inversion in English and Farsi" Language Sciences, vol. 18, Nos. 1-2, 127-138.
- Downing, P. (1995), "Word Order in Discourse, by of Introduction". In: Word Order in Discourse, edited by: Pamela Downing and M. Noonan, vol. 30, John Benjamins publishing Company, amsterdam / Philadelphia
- Halliday, M., C. Matthiessen. (2014), An Introduction to Functional Grammar. Routledge.
- Herring, S. Susan, (2012), "Information Structure as a Consequence of Word Order Type". Proceedings of the Sixteenth Annual Meeting of the Berkeley Linguistics Society (1990), 163- 174.
- Lambrecht, K. (1994), Information Structure and Sentence Form. Cambridge: Cambridge University Press
- Ming, T. & L. Chen (2010), "A Discourse Pragmatic Study of the Word Order Variation in Chinese Relative Clauses" Journal of Pragmatics, vol. 42, 168-189.